



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۹

دكتور محمد حليم تنوير

قانونی و گفته های غیر قانونی



در مصاحبه اخیر محترم محمد یونس قانونی شخصیت مطرح سیاسی جمعیت اسلامی که در همین چهار دهه اخیر یکی از افراد کلیدی ناهمگونی های سیاسی افغانستان شمرده می شود، در مصاحبه اختصاصی با نجفی زاده، عنان اختیار و تفکر مدون سیاسی اش را که بایستی افغانستان شمول میبود، از دست داده و جولان سخن را با همان لایه های کهنه گرایی، شعار های زمان مبارزات مجاهدین علیه روس ها را تکرار نموده و فرار از واقعیت های تاریخی گرایش بسوی تک رویی های سیاسی که سال های هفتاد شمسی را تداعی می کرد در این مصاحبه بازگویی نمود.

آقای قانونی دوست ارجمند بوده و شخصیت چیز فهم در روند سیاسی دهه های اخیر است. در سال ۲۰۰۴ میلادی در اولین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان با هم در ردیف بیست کاندید نشسته بودیم. در دوره جهاد علیه تجاوز نظامی اتحاد شوروی سابقه با هم گفت و شنود ها و روابطی داشتیم. بیشتر حرف های او را نسبت به دیگر اعضای گروه شمال ارجعیت می دهم و شخصیت فهم است. هم از دین میدانند و هم از دنیا. همچنان سخنانش در فیصله ها و حیطة افکار شهید استاد ربانی و مسعود شهید جایگاه وزینی داشت. تصور داشتم که آقای قانونی با ناکامی های پی در پی موافقتنامه بن و تحکم ورزی های ستمی در حکومت عبوری و دوره اول رئیس جمهور کرزی در اداره افغانستان هنوز هم نوعی ساختار حکومتی را میخواهد که دلخواه خودش باشد.

اکنون در روند ایجاد بنیاد های تحکیمی صلح و دیدگاهش در مورد مذاکرات دوحه، وی منحنیت شخصیت های مطرح سیاسی، بایستی برانزده گی خود را داشته باشد. چنانچه در مصاحبه اش چندین بار مذاکرات دوحه را فرصت طلایی قلمداد نمود. ولی همانگونه که از عدم استراتژی و بی برنامه گی هیأت مذاکره کننده کابل مأیوس بودم، اکنون تجاهل عارفانه و یا هم گریز شاعرانه قانونی صاحب مرا منحنیت یک فرد و تبعه افغانستان در سرگردانی فکری قرار داد. ندانستم که حرف هایش یک ضرب العجل برای حنگ تمام عیار آینده خواهد بود؟ و یا بازی های سیاسی کهنه که نه حامیانش دنباله این سیاست های غیر مسوولانه را خواهند گرفت و نه هم ملت افغانستان ابتهاج تلاش باصطلاح خودشان مبارزاتی را طی طریق خواهند نمود تا اهداف گروه خاص در احراز قدرت سیاسی باعث تمدید قدرت افرادی خاصی قرار گیرد و در دهه های آینده کشور نقش بازی نماید.

مهمترین اصل بنیادی در جامعه، اعتماد سازی ملی و انسانی اندیشیدن است. افغانستان نیاز به شعار، احساسات، ضرب العجل جنگ، چور و چپاول، تهدید و انتقام، روش های تفنگ سالاری و جبهه و سرانجام مخصمه گویی هارا دیگر ندارد.

کاش آقای قانونی بجای بزرگ سازی ها و شعار های گذشته، امید و محبت را به مردم میداد و خودش الگوی یک تغییر میشد؟ کاش بجای اتکا به نیرو های خارجی، حرکت های مردمی و خواست ملت را سراغاز سخن خود می ساخت. کاش بجای دو دسته گی و تشویش های سیاسی که دارد در محور صلح، رفاه و توسعه همه سیاسیون را فرا میخواند و کاش بجای سخنان غیر قانونی، برای آینده افغانستان قانونی صحبت میکرد.

شاید آقای قانونی در آینده متوجه این باریک اندیشی سیاسی گردد که ممکن حرف کنونی اش را پیوند بزند و یا توجیه نماید. اما سخنان پیوندی حیثیت همان ظرف چینی شکسته و پتره پی را دارد که آواز خوش اصلی ظرف ناشکسته را هرگز نخواهد داشت.